

## شهرسازی ایلخانی؛ «تجلی‌گاه» اولین فضاهای عمومی بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی - اسلامی

### چکیده

دوره ایلخانی در شهرسازی ایران-اسلامی را می‌توان به عنوان یک دوره گذار از سبک رازی به سبک اصفهانی دانست. اهمیت این دوره در شهرسازی ایران به آن دلیل است که از یک سو به دنبال وضعیت خاص پیش آمده بعد از حمله ویرانگر مغول، سیر تکاملی شهرسازی ایران را حفظ کرده و از سوی دیگر زمینه و بستر لازم برای شکل‌گیری سبک اصفهانی در دوره صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق) را فراهم آورد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شهرسازی و معماری ایلخانی به دنبال ایجاد شکوه هر چه بیشتر است. ایوان‌های بلند، ارتفاع بیشتر گنبدها و دهانه‌ها، فضاهای بزرگ و طویل، اندازه‌های دقیق‌تر و متناسب‌تر در معماری، در میدان وسیع مجموعه‌های شهری، در غالب شکلی کامل، تبلور شهرسازانه می‌یابد. در حقیقت، شکل کاملاً هندسی فضاهای شهری بزرگ مقیاس در شهرسازی ایلخانی، اختلاف چشمگیری با حیاط مجموعه‌های شهری قبل از آن و میدان‌های اندام وار درون بافت‌های شهری دارد. ویرانی ساختارهای اجتماعی- اقتصادی- کالبدی شهرها توسط مغول در آغاز سده هفتم هجری شمسی، منجر به ابداع مجدد مفهوم میدان در ساختار متعالی‌تری در انتهای همین سده گردید. ساختاری هندسی و بزرگ مقیاس که با قدرت در شهرسازی دوره صفوی، جهانی شد.

### اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی سبک‌های فضاهای عمومی در کرونولوژی سبک‌های معماری-شهرسازی در ایران.
۲. بررسی ویژگی‌های فضاهای عمومی در شهرسازی دوره ایلخانی.

### سوالات:

۱. در معماری و شهرسازی در تاریخ ایران چه سبک‌هایی در ایجاد فضاهای عمومی وجود داشته است؟
۲. فضاهای عمومی در شهرسازی دوره ایلخانان دارای چه ویژگی‌هایی است؟

**کلیدواژه‌ها:** معماری و شهرسازی، شهرهای ایرانی-اسلامی، فضاهای عمومی هندسی، دوره ایلخانی.

## مقدمه

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضایی که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. ماهیت فضاهای عمومی آن است که به راحتی قابل دسترسی باشند و شامل فضاهای بسته بدون سقف یا مسقف (ساختمان‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی) می‌شوند. این فضاها کالدهای مختلفی از فرم ساخته شده تا محیط‌های طبیعی دارند. با تعریفی این چنینی از فضای شهری، بازخوانی شهرهای ایرانی - اسلامی نشان می‌دهد که تا دوره اصلاحات سلسله ایلخانی، فضای شهری بزرگ مقیاس، هندسی و از پیش اندیشیده که مورد استفاده عموم جهت فعالیت‌های عام اجتماعی بوده باشد، وجود نداشته است. در حقیقت می‌توان اذعان نمود که تا دوره ایلخانی نظام شهرسازی فقط در مقیاس فضاهای حکومتی-مذهبی، یا کلیات شهرسازی از جمله تعیین شکل کلی شهر، طراحی می‌شد. شکل‌گیری واحدهای شهری مثل محله‌ها، فضاهای باز عمومی و حتی شکل و فرم کالبدی بازار، به تدریج و به صورت کاملاً ارگانیک در اطراف هسته‌های طراحی شده، شکل گرفته است. بسته به نوع جهان-بینی حکمرانان تا قبل از دوره ایلخانیان، فضا و مکانی که برای اجتماع عده کثیری از مردم (در مقیاس شهر) طراحی می‌شد یا فضایی حکومتی مثل کاخ بوده و یا فضایی عقیدتی مثل مسجد. آنچه که در این جا مورد تأکید است، تک عملکردی و خاص بودن فضاهای مذکور است. بدیهی است مجموعه کاخی، ضوابط خاص خود را برای ورود و خروج افراد عامه می‌طلبید. بنابراین، نمی‌توان فضاهای باز، بزرگ، هندسی و از پیش اندیشیده شده آن را فضای شهری عمومی تلقی نمود. فضای باز مذهبی - عقیدتی هم مثل حیاط مساجد یا محوطه باز اطراف آتشکده‌ها، ضوابط عملکردی خاص خود را در طول تاریخ داشته‌اند، از این رو نمی‌توانند مصداق فضای شهری عمومی قرار گیرند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، مقالاتی در باره شهرسازی و فضاهای شهری در دوره ایلخانان به چاپ رسیده است. مقاله‌ای با عنوان «عوامل و عناصر شکل‌گیری و عناصر شهرهای دوره ایلخانی» به قلم طالب‌نیا و نجفی (۱۳۹۴) به رشته تحریر در آمده است که نگارندگان در این اثر به واکاوی عوامل مؤثر در شهرسازی دوره ایلخانان پرداخته‌اند. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی» توسط فروتن (۱۳۸۸) به رشته تحریر در آمده است. نویسنده در این اثر به بررسی عوامل مؤثر در دگرگونی فضاهای شهری در این مقطع تاریخی پرداخته است با این حال اشاره‌ای به بحث فضاهای هندسی نشده است لذا در پژوهش حاضر به بررسی این مسئله پرداخته می‌شود.

درباره روش انجام این پژوهش باید گفت، این پژوهش با تکیه بر نوعی تاریخ پژوهی تحلیلی - تفسیری، در ۳ مرحله تدوین شده است. در مرحله اول، با روش توصیفی - تحلیلی مفهوم و عملکرد میدان در تاریخ شهرهای ایرانی و ایرانی - اسلامی از تمدن ماد تا دوره ایلخانی، با توجه به سبک‌های معماری، و بر مبنای مستندات مکتوب، مورد

توجه قرار می‌گیرد. در مرحله دوم با روش فراتحلیل، ۱۲۰ مطالعه‌ی مرتبط با شهرسازی ایرانی-اسلامی با هدف تشخیص اهمیت میدان به عنوان عنصری واجد اهمیت و تأثیرگذار در بین عناصر و ساختار شهری، از دید صاحب‌نظران حوزه‌ی شهرهای ایرانی-اسلامی، با ابزار کتابخانه‌ای تحلیل می‌شود و در مرحله سوم، با روش تاریخ پژوهی، با تبیین فرایندهای تاریخی، روند ظهور اولین فضاهای شهری بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد.

## نتیجه‌گیری

مطالعات عمیق‌تر در فرایند و محصول شکل‌گیری شهرهای ایرانی-اسلامی، نشان می‌دهد که علاوه بر شرایط اقلیمی، ساختارهای سیاسی-اجتماعی به طور مستقیم بر مظاهر شهرسازی اثر می‌گذارد. حتی اگر به ظاهر در لایه‌های عمیق‌تری قابل مشاهده باشد. این اثرگذاری، در روند شکل‌گیری فضاهای عمومی که خود مبحثی جامعه-شناختی است، بارزتر می‌نماید. هم از این روست که بنیان‌های فکری پدرسالارانه قریب به اتفاق حکومت‌های حاکم بر سرزمین ایران، اکثراً با خاستگاه‌ها و ساختارهای قبیله‌ای (که در آنها اطاعت از فرامین پیر یا رئیس قبیله، امری ضروری است)، از آنجا که حقی برای نظر مردم قائل نیست در نتیجه فضایی نیز به تظاهرات و نمودهای اجتماعی و نهادی در شهر اختصاص نمی‌دهد. دقیقاً برعکس آنچه در تمدن‌های برتر همزمان یعنی یونان و رم، به صورت آگورا و فوروم، در عرصه‌ی واقعی شهر، فرصت تجلی می‌یابد. بنابراین منطقی می‌نماید که با امتزاج تمدن ایران و یونان، بعد از حمله اسکندر به ایران، به تدریج شاهد شکل‌گیری، محدوده‌ی باز و عمومی، البته هنوز ابتدایی و اولیه در شهرها باشیم. در مرحله بعد، گسترش جهان‌بینی اسلامی با تئوری‌های برابری و برادری در ایران، و برابر شدن مردم عام با طبقات ممتاز اجتماعی و اهمیت یافتن ریض، سبب می‌شود این فضای باز عمومی به تدریج با مقیاس‌های بزرگ‌تر در ساختارهای شهرهای ایرانی-اسلامی راه یابد. ولی از آنجا که رشد شهرنشینی بسیار آهسته است، فضاهای عمومی به تبعیت از سایر ساختارهای شهری، به تدریج و اندام‌وار و بدون طرح‌های از پیش اندیشیده، شکل می‌گیرد. در مرحله‌ی آخر، و بعد از ویرانی تقریباً سراسری و غیرقابل احیا شهرهای ایرانی-اسلامی بعد از حمله‌ی مغولان به ایران، و در نتیجه ضرورت ساخت شهرهایی جدید که همزمان نمایانگر شکوه حاکمان نیز باشد، نوعی از فضاهای عمومی بزرگ مقیاس با هندسه‌ی کامل بر مبنای طرح‌هایی که شاید بتوان طرح جامع نامیدشان، ایجاد می‌شوند. فضاهای عمومی که با عملکردهای عمومی محاط شده‌اند، در مقیاس شهر عمل می‌کنند و از هندسه‌ی قائم‌الزاویه برخوردارند و مبنایی برای شکل‌گیری شهرهای ایرانی-اسلامی پس از خود در تمام سرزمین می‌شوند.

## منابع:

- ابراهیمی، م. (۱۳۸۸). میدان، فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی. هویت شهر، ۳(۴)، ۱۰۷-۱۲۰.
- اردلان، ن. (۱۳۷۹). بختیار، لاله، حس وحدت، اصفهان، انتشارات خاک.
- اسدی محل چالی، م. پیربابایی، م. و مقصودی، م. (۱۳۹۸). تبیین فرهنگ جنسیتی فضا در گذرهای شهر اسلامی- ایرانی، نمونه پژوهش پیاده راه تربیت تبریز. دانش شهرسازی، ۳(۱)، ۱۵-۳۱.
- اشتری فرد، ح. صالحی امیری، س. و شهریاری، م. (۱۳۹۷). طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان شهر تهران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۱(۱) (پیاپی ۴۱)، ۱۵۷-۱۸۴.
- اهری، ز. (۱۳۹۴). شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۰(۲)، ۲۳-۳۴.
- باسورث، ک.ا. و دیگران. (۱۳۸۵). تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان (پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد پنجم)، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلیان اصل، ل. ستارزاده، د. (۱۳۹۴). مقایسه گستردگی شهر تبریز در دوره‌های ایلخانی، صفوی و قاجار با استناد بر مستندات تاریخی. هویت شهر، ۹(۲۱)، ۵۷-۷۰.
- بهزادفرم، رضوانی، ن. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی، (موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۱) (پیاپی ۶)، ۰-۰.
- پارسا، پ. میرغلامی، م. و قره بگلو، م. (۱۳۹۸). شهر مربی کودک: بازتولید الگوی شهر دوست دار کودک در بستری ایرانی اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۷(۱) (پیاپی ۲۲)، ۱۰۹-۱۳۰.
- پوراحمد، ا.، وفايي، ا. (۱۳۹۶). تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۸)، ۶۳-۷۶.
- توکلی نیا، ج. صرافى، م. و دستواره، ف. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی- اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۸)، ۵-۲۰.
- توکلی نیا، ج. و دیگران. (۱۳۹۵). تقابل شهر ایرانی- اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۵)، ۵۷-۷۰.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران: انتشارات وزارت راه و شهرسازی.
- پیربابایی، م. ربیعی فر، و. (۱۳۹۷). تبیین نقش مساجد در ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین محلات شهر ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی: مسجد حسینیه اعظم، در محله حسینیه شهر زنجان). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۵(۲) (پیاپی ۹)، ۱۰۵-۱۲۵.

پیرنیا، م. (۱۳۸۶)، سبک شناسی معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش.

پیندر، ویلسن. (۱۳۷۸). «معماری دوره تیموری»، تاریخ ایران، دوره تیموریان، پژوهش از کیمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.

جهانبخش، ح. و لطفی پورسیاهکلرودی، م. و زکی پور، ن. (۱۳۹۶). بررسی دگردیسی ماهیت قلمرو کنش گری، همگانی از شهر ایرانی-اسلامی تا شهر معاصر ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸(۳۰)، ۳۱-۴۱.

جهان بخش، ح. و دل زنده، ع. (۱۳۹۵). تبیین جایگاه پیوست نگاری فرهنگی و بهره گیری از نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی-ایرانی (مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی). پژوهش های معماری اسلامی، ۴(۴) (پیاپی ۱۳)، ۹۱-۱۱۳.

حبیبی، م. (۱۳۸۲). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حبیب، ف، حسینی نیا، م. (۱۳۹۴). پایداری شهر از منظر شکل شناسی شهری (بررسی فشردگی در ارگ بم). هویت شهر، ۹(۲۱)، ۵-۱۸.

حبیبی، ک، روحانی چولائی، ا. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفی تغییر عناصر شهر کهن ایرانی به شهر مدرن در جهت احیای مکان های شهری با هویت ایرانی-اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶(۲۱)، ۵-۱۸.

حکمت نیا، ح. (۱۳۹۷). سنجش میزان محرمیت خانه ها در راستای سبک زندگی اسلامی-ایرانی (مطالعه ی موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۶(۳)، ۵۸۵-۶۰۳.

حیدری، م، طارمی، ع. (۱۳۹۹). گذری بر گذار ستیز محله ای و کاربست آن در محلات شهر ایرانی-اسلامی. دانش شهرسازی، ۴(۱)، ۷۳-۹۶.

چرامی، ش، ساروخانی، ب. و ازکیا، م. (۱۳۹۷). مطالعه جامعه شناختی جنگ نرم در بافت های شهری با تاکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی-اسلامی شهرزاد چرامی. مطالعات جامعه شناسی، ۱۰(۳۸)، ۸۵-۱۰۰.

دنبلی، س، کلانتری خلیل آباد، ح، و آقاصفری، ع. (۱۳۹۷). بازشناسی مؤلفه های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی-اسلامی، نمونه موردی شهر تهران. نقش جهان، ۸(۴)، ۲۲۳-۲۳۰.

دانش، ج، و طیبی، ا. (۱۳۹۰). کیفیت حضور در میدین شهری با تاکید بر نمونه های سنتی ایران. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۴)، ۷۱-۸۰.

زیبا کلام، ص. (۱۳۷۹)، ما چگونه، ما شدیم؟ ریشه یابی علل عقب ماندگی در ایران، تهران: انتشارات روزنه.

سالاری پور، ع و دیگران. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دلبستگی به مکان؛ مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴)، ۳۵-۴۷.

سرای، م.، خاوریان گرمسیر، ا. (۱۳۹۷). همگام‌سازی شهر اسلامی با چارچوب های مدیریت شهری الکترونیک در فضای شهر ایرانی-اسلامی. شهر پایدار، ۱(۲)، ۹۷-۱۱۱.

سلطانزاده، ح. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات چهارطاق.

شکاری نیری، ج. (۱۳۸۴). یافته‌هایی از طرح شب‌غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ۷۳-۸۰.

صفوی، س.، رضایی، م. و سعادت‌مندی، م. (۱۳۹۷). کاربست اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی مسکونی و قدیمی رباط کریم (رباط کهنه)). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش های جغرافیایی)، ۵۰(۴)، ۹۲۹-۹۴۴.

طلایی، م.، انصاری، م.، و درج‌ور، ف. (۱۳۹۸). نقش تزیینات در بازیابی هویت ایرانی-اسلامی در جداره‌های شهری مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۹)، ۹۹-۱۱۲.

عابدینی، ا.، و کریمی، ز.، و گلشنی، م.، و نظری، ن. (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضاهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت در شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی مهدی‌القدم ارومیه). پژوهش های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۵(۴)، ۶۲۹-۶۴۴.

عسکری، م.، احمدی، ح.، و براتی، ن. (۱۳۹۷). تحلیلی بر مولفه‌های تاریخی بنیادین دینی-فرهنگی شهر ایرانی اسلامی در قرون نخستین و قرون میانی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۸۱(۱)، ۳۷-۷۴.

عسکری، م.، احمدی، ح.، و براتی، ن. (۱۳۹۶). تبیینی اکتشافی از کارکردپذیری وقف در شهرهای دوره اسلامی مطالعه موردی: شهر ایرانی در قرون نخستین و میانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸(۲۹)، ۶۵-۸۰.

عمرانی، م. (۱۳۸۴). در جستجوی هویت شهری، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

غلامی، س.، مشکینی، ا.، و دویران، ا. (۱۳۹۴). طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان). هویت شهر، ۹(۲۲)، ۴۱-۵۲.

صادقی، ع.، خاکزند، م.، و باقرزاده، ا. (۱۳۹۷). بازشناخت مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مکان در شهر ایرانی اسلامی مورد پژوهی: مسجد نصیرالملک و مسجد جامع عتیق شیراز. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۶(۳) (پیاپی ۲۰)، ۴۹-۶۸.

فرشچیان، ا.، و بلالی اسکویی، آ. (۱۳۹۴). نمود هندسه ادراکی بر سیر تکامل شهر ایرانی در ادوار مختلف شهرسازی (مطالعه موردی: شهر همدان). مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۵۳-۶۷.

فلامکی، م. (۱۳۷۱). شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: انتشارات نشر فضا.

قلندریان، ا.، رفیعیان، م. (۱۳۹۷). تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴)، ۴۹-۵۸.

کیانی، ی. (۱۳۶۸). شهرهای ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

محیط آرا، م.، ملک حسینی، ع.، و شمس، م. (۱۳۹۷). الگویی راهبردی از محله پایدار شهر اسلامی - ایرانی (محله بنیاد شهر قم). نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، ۱۰(۳)، ۳۶۱-۳۸۱.

محیط آرا، م.، ملک حسینی، ع و شمس، م. (۱۳۹۶). کیفیت زندگی در محله های شهر اسلامی - ایرانی با نگرش پایداری فضایی - اجتماعی (نمونه موردی، شهر قم). آمایش محیط، ۱۰(۳۸)، ۹۵-۱۱۸.

مردانی، س. (۱۳۹۴). طبقه بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی. باغ نظر، ۱۲(۳۵)، ۶۵-۷۴.

مسعود، م.، بابائی سالانقوج، ا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر مطالعه شکل شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۹(۱)، ۵-۱۳.

مشکینی، ا.، قاسمی، ا.، و حمزه نژاد، م. (۱۳۹۵). ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای اصول شهرسازی ایرانی اسلامی. مطالعات ملی، ۱۷(۴ (۶۸))، ۳۹-۵۸.

معروفی، ح. (۱۳۹۷). بازخوانی شهر ایرانی (اسلامی) بررسی نهاد های نقش آفرین در حاکمیت شهری و بازتاب فضایی آنان در شهرهای دوران صفویه و قاجار. معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۵)، ۳۳-۴۵.

مولائی، ا. (۱۳۹۸). بازشناسی شاخص های شکل دهنده نظم اجتماعی و فرهنگی در شهر ایرانی - اسلامی (مقایسه تطبیقی بازار تاریخی تبریز و پاساژهای پیرامون). جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۰(۱)، ۸۱-۱۰۶.

موقر، ح.، رنجبر، ا.، و پورجعفر، م. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران (نمونه مطالعاتی محله های شهر نایین). مطالعات معماری ایران، ۴(۸)، ۳۵-۵۶.

منتظرالقائم، ا.، امینی، ر. (۱۳۸۸). تحلیل و بررسی موقعیت مدنی شهر واسط تا قرن سوم هجری، تاریخ اسلام، ۴(۴۰)، ۶۵-۸۰.

منتظرالقائم، ا.، کوشکی، ف. (۱۳۹۸). تحلیل سامان دهی آرامستان های شهر اصفهان از منظر الگوی شهر ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۶)، ۴۹-۵۸.

منصوری، س.، عرب سلغار، ن. (۱۳۹۴). سیر تحول رابطه ساختاری باغ و شهر در سازمان فضایی شیراز از سده چهارم تا دوازدهم هجری قمری. مطالعات معماری ایران، ۴(۸)، ۵-۲۰.

میرزا کوچک خوشنویس، ا. (۱۳۸۵). دولت شهر آرمانی ایرانی: مفهوم فضای شهری ایران. باغ نظر، ۳(۶)، ۱۰۱-۱۱۸.

نژادستاری، س. (۱۳۹۰). نقش میدان های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تاکید بر شهرهای ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۳)، ۵۷-۷۰.

نقش جهان پارس. (مهندسین مشاور، (۱۳۹۴). بوطیقای عتیق، در دست چاپ.

نقی زاده، م. (۱۳۸۵). تأملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی، مجله هرهای زیبا، شماره ۲۵، ۱۵-۲۴.

ویلبر، د. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریاد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هوف، د. (۱۳۶۹). شهرهای ساسانی در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، ترجمه: رحیم صراف، تهران: انتشارات جهاددانشگاهی.

Carmona, M. (۲۰۱۰). Contemporary Public Space. Part Two: Classification, Journal of Urban Design, ۱۵(۲), pp. ۱۵۷-۱۷۳

Federico Rossi, E. A. (۲۰۱۵). Integrated improvement of occupants' comfort in urban areas during outdoor events. Elsevier Ltd, pp.285-292

Stanley, Benjamin W. (۲۰۱۵). Local property ownership, municipal policy, and sustainable urban development in Phoenix, AZ. Development Journal. ۵۰(۳), pp. ۵۱۰-528

Grobelek, L. (۲۰۱۵). Public Spaces and Private Spaces Open to the Public: Spatial Planning and Development Using Urban Design Guidelines. Open Urban Studies and Demography Journal. 1 .pp. 23-34.